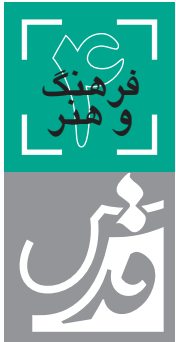




## هوتن شکيبا: خوشحالم جوان اول عاشق هستم

هوتن شکيبا که با بازی در فيلم‌های «شبی که ماه کامل شد»، «تی‌تی»، «ابلق» و «لیسانسه‌ها» به عنوان بازیگری عاشق پیشه شناخته شده است، می‌گوید از آنجا که کاراکترهای نمایشی متفاوت هستند، نوع عاشق شدنشان هم متفاوت می‌شود ولی با این حال خشنود است که به عنوان جوان اول عاشق در سینما شناخته می‌شود.

او همچنین تأکید دارد از قضاوت کاراکترهایی که بازی می‌کند می‌پرهیزد و همه تلاشش را به کار می‌گیرد تا این کاراکترها را قضاوت نکند.



## انتشار تمبر برای «مارگارت آتوود»

اداره پست کانادا روز بیست و پنجم نوامبر از ۶۰ سال فعالیت ادبی «مارگارت آتوود» نویسنده مشهور رمان «سرگذشت ندیمه» با انتشار تصویر این نویسنده روی تمبر تجلیل کرد. در این تمبر یادبود، تصویری از این نویسنده با چشمان بسته و عبارت «کلمه پشت کلمه پشت کلمه قدرت است» که بخشی از شعر «هجی کردن» این نویسنده است، به چاپ رسیده است.

## فصل سوم «زیرخاکي» کليد خورد

فصل سوم سریال «زیرخاکي» به نویسندگی و کارگردانی جلیل سامان و تهیه‌کنندگی رضا نصیری‌نیا که برای پخش در نوروز ۱۴۰۱ از شبکه یک سیما تولید می‌شود، کليد خورد. در نخستین روز از تصویربرداری «زیرخاکي» ژاله صامتی و رایان سرلک در یکی از محلات تهران مقابل دوربین سامان رفتند. پژمان جمشیدی، ژاله صامتی، نادر فلاح و ... بازیگران این سریال هستند.

## «مادر برام قصه بگو» منتشر شد

کتاب «مادر برام قصه بگو»؛ خاطرات شفاهی گروه سرود آباده شیراز نوشته بهنام باقری توسط انتشارات «راه‌یار» راهی بازار نشر شد. سرود «مادر» یا «قصه بابا»، «آلاله»، «دلبران تنگستان» و «یل شیردل» که به صورت رسمی اجرا شده و در متن کتاب به آن اشاره شده در قالب QR code در صورت صوتی یا تصویری در کنار متن گنجانده شده است.

## به احترام مردم فيلم را اصلاح می‌کنم

سید جواد هاشمی، کارگردان فیلم سینمایی «شهر گریه‌ها» در واکنش به اعتراض‌ها نسبت به فیلمش گفت: فیلم را اصلاح خواهم کرد تا این تصور به وجود نیاید که برای من نظرات و عواطف دینداران و افراد مذهبی که همیشه به من لطف داشتند، مهم نیست. متأسفانه فیلم را ندیده قضاوت کردند، در حالی که داستان و پیام فیلم «شهر گریه‌ها» مبارزه با ترامپ و خوی استکبارستیزی است.



جویا شده بود. او می‌گوید: حجازی‌فر بسیار روان و باتمركز بازی می‌کند و به خودش هم گفتم که بازی او مثل هوای تازه است در سینمای ایران. ادا و ژست‌هایی که سال‌هاست در سینمای ایران هست را ندارد و نکته اینجاست که خودش نمی‌دانست قرار است «آتابای» را بازی کند.

## فيلمی که ما را از سینما رفتن پشیمان نمی‌کند

**رضا در سستار، منتقد |** نیکی کریمی، بازیگری خیلی خاص با تعداد زیادی فیلم خوب است که «شخصیت» را در فیلم‌هایی مثل عروس، سارا، پری، برج مینو، بوی پیراهن یوسف، دوزن و... به یادمان می‌آورد. این بازیگر که چند سال پیش وارد حیطه کارگردانی شده در آخرین اثرش «آتابای» را ساخته، فیلمی که تولدی دوباره برای اوست. اکنون با فیلمسازی روبه‌رو هستیم که فقط کارگردانی یک فیلم را انجام نمی‌دهد بلکه فکر را هم به جریان فیلم تزریق می‌کند. فیلم اول او «یک شب» فیلمی خوب بود و در جشنواره کن هم نمایش داشت البته بیشتر تحت تأثیر جریان منشعب از فیلم‌های هنری آن سال‌ها و به ویژه تحت تأثیر سینماگر عزیز همه سینمای ایران، «عباس کیارستمی» بود و بعد هم چند فیلم دیگر، اما در آتابای با یک کارگردان جدید طرف هستیم که واقعاً فرسنگ‌ها با آن نیکی کریمی قبلی فاصله دارد؛ شاهد تولد دوباره یا تبلور همان کارگردان قبلی هستیم که به نگاهی پخته و درجه یک از موضوع و مدیوم خودش رسیده است. «آتابای» همان طور که از نام فیلم هم پیداست اسم یک شخص است. انتخاب خوبی است چون از همان اول، نام فیلم را متمایز و ویژه می‌کند به طوری که در ذهن مخاطب زنده می‌ماند. فیلم گرم، خون‌دار و بانرژی است و قصه آدم‌های واقعی را در گوشه‌ای از آذربایجان به تصویر می‌کشد. «لوکیشن» در این فیلم معنا و جغرافیا پیدا می‌کند. باغ پدری به آدمی که ترک‌زبان نیست، واگذار شده و این‌رگه با متن اصلی، ریشه‌های تماتیک پیدا می‌کند و واجد معانی و مفاهیم خاص خودش می‌شود. هادی حجازی‌فر (در نقش آتابای) در این فیلم، نقطه تمرکز و انگای فیلم است؛ او (پس از تعدادی فیلم در قالب شخصیت‌هایی با بُعد مذهبی و عصبی) بهترین حضورش را در سینمای ایران تجربه کرده و فاصله بین نقش و بازیگر را خیلی خوب مرتفع می‌کند. رگه ملایم عشقی که در فیلم می‌بینیم یا رگه‌های حسادت که در داستان‌های موازی روایت می‌شود و رابطه بین پدر خانواده و نوه، رابطه منفصل پدر و پسر، رابطه قشنگ «یک دوستی» که به خاطر یک سوءتفاهم دچار انفصال شد و... همه این‌ها داستان‌های فیلم را بارور کرده‌اند، از مبنی مالیتسم تقلیلی سابق سینمای کریمی دیگر اثری نیست و جایش را به اگزیرستان و مسئولیت آدمی در نسبت با دیگران و خودش داده است. ضمن اینکه در اثر یک فیلم‌برداری بسیار قوی قالب‌هایی کم‌نظیر هم داریم. نکته اصلی این است که ما «فیلم» می‌بینیم تا تجربه‌ای را که شخصیت‌ها در فیلم بدست می‌آورند بدون هزینه کردن، صاحب شویم تا زندگی بهتری پیدا کنیم و آتابای جزو آن دسته از فیلم‌هایی است که می‌توان با شخصیت‌های اصلی‌اش همدات‌پنداری کرد، تجربه گرفت، از دیدنش لذت برد و از سینما رفتن پشیمان نشد.



# درباره بازی جواد عزتی و هادی حجازی‌فر و نقطه عطف فیلم «آتابای»

## قاب‌های دونفره به یادماندنی



برملا می‌شود و دیگر آن دو آدم پیش از گفت‌وگو نیستند

## دیدنی و چشم‌نواز

بازی‌های خوب سه‌بازیگر اصلی فیلم یعنی هادی حجازی‌فر، جواد عزتی و سحر دولت‌شاهی در کنار بازیگران بومی این فیلم سبب شده «آتابای» به اثری چشم‌نواز و دیدنی بدل شود. این فیلم ریتم آرامی دارد اما سعی کرده در پس این ریتم کند، به واکاوی و ترسیم شخصیت‌ها و روابطشان بپردازد به طوری که در زمان ملاقات کاظم و یحیی، همه چیز صیقل خورده و شرایط برای رمزگشایی از اتفاقی در گذشته مهیاست، زخم‌های کهنه سر باز می‌کند و مخاطب به دریافتی ملموس و تأثیرگذار از گذشته آدم‌ها می‌رسد. با وجود اینکه شخم زدن خاطرات گذشته دو رفیق قدیمی، مقدمه ورود به بخش دوم فیلم و زمینه‌ساز تحولات شخصیتی آتابای در ابراز علاقه‌اش به سیماست اما نویسنده و کارگردان در روایت این رابطه عاشقانه موفق ظاهر نمی‌شوند و این ابراز علاقه از سوی مردی که مرز ۴۰ سالگی را رد کرده است، ناپخته به نظر می‌رسد.

با وجود این تسلط بازی حجازی‌فر بر شخصیتی که خود نویسنده آن است در سراسر فیلم نمایان است، دانیال نوروش هم که ایفاگر نقش آیدین است بازی به اندازه و درستی را از خود نشان می‌دهد. اگرچه سکانس‌های پایانی فیلم می‌توانست به صحنه‌های ماندگار فیلم در ذهن مخاطب تبدیل شود اما ضعف فیلم‌نامه در این بخش و دیالوگ‌های نسنجیده، این بخت را از این سکانس‌ها گرفت و این جایگاه را برای سکانس‌های دونفره کاظم و یحیی نگه داشت.

## نقاط عطف فیلم

شاید بتوان نقاط عطف «آتابای» را سکانس‌های گفت‌وگوی دونفره آن‌ها دانست. گفت‌وگوی کاظم با آیدین (خواهرزاده‌اش)، گفت‌وگوی آتابای با پدرش، گفت‌وگوی دو رفیق قدیمی و گفت‌وگوی عاشقی شکست خورده با معشوقی درمانده! در این فیلم روابط آدم‌ها و تأثیر خاطرات گذشته بر رابطه حال و آینده آن‌ها با ظرافت خاصی طراحی شده و بازی خوب بازیگرانش بر قدرت اثرگذاری آن افزوده است مثلاً در سکانسی که دو دوست قدیمی (کاظم و یحیی) بیرون از مجلس ختم زن یحیی با هم خلوت می‌کنند و خاطرات گذشته برایشان زنده می‌شود، با وجود اینکه خطر کلیشه‌ای شدن را بیخ گوشش داشت اما دیالوگ‌های بین دو شخصیت منجر به عیان شدن درونیات آن‌ها و تحول رابطه‌شان شد و پرده از رازی قدیمی برداشت، حتی صحنه گفت‌وگوی دونفره کاظم با سیما در شب جشن، گفت‌وگوی دونفره کاظم با آیدین که با خشم و دعوا آغاز شد و در نهایت به رابطه‌ای عمیق ختم شد یا گفت‌وگوی دونفره آتابای با پدرش قاب‌هایی ماندگار از گفت‌وگوی دونفره را مقابل دیدگان مخاطب به نمایش گذاشت و تمام این سکانس‌ها به آشکار شدن لایه‌های شخصیتی آتابای ختم می‌شد اما در این بین ضیافت دونفره کاظم و یحیی کنار دریاچه ارومیه، قله این سکانس‌های دونفره بود جایی که دو دوست قدیمی شدیدترین ارادت‌هایشان به هم را همراه با تندترین انتقادهای نسبت به یکدیگر بیان می‌کنند، از حرف‌های مگویشانی می‌گویند، به یاد گذشته لاستیک آتش می‌زنند و به گوی آتشی که از بالای تپه به قعر آن سُر می‌خورد خیره می‌شوند، راه‌زای بینشان

## مواجهه‌های تماشایی

اگرچه «ایستاده در غبار» نخستین نقش آفرینی «هادی حجازی‌فر» در سینما نبود اما نخستین جرقه دیده شدن او شد. حجازی‌فر که این روزها مشغول تولید مینی سریال شهید باکری است، کارنامه موفقی در فیلم‌های تاریخ معاصر و اجتماعی دارد. او پس از بازی در «ماجرای نیمروز» پیشنهاداتی هم در ژانر کمدی داشت اما آنچنان که در آثار جدی موفق ظاهر شد در کمدی توفیق نداشت برخلاف جواد عزتی که با بازی در آثار کمدی به پولسازترین بازیگر سال ۹۷ بدل شد اما با نقش آفرینی‌های درخشانی که در آثاری همچون «ماجرای نیمروز ۱ و ۲» و «شنای پروانه» داشت نشان داد که می‌تواند در هر ژانری موفق باشد. همان طور که «احمد متوسلیان» ایستاده در غبار برای حجازی‌فر، پله ترقی بود، «صادق» ماجرای نیمروز نقطه عطف بزرگی در کارنامه عزتی به شمار می‌رفت و پس از آن در «شنای پروانه» چنان بازی درخشانی از خود نشان داد که نبود نامش در میان نامزدهای بهترین بازیگر مرد جشنواره فجر بسیاری را به تعجب واداشت و صدای اعتراض عده‌ای را هم بلند کرد. حالا او با نقش یحیی در فیلم «آتابای» میزبان نگاه مخاطبان سینماست. نقشی که برای او چالشی جدید به همراه داشت چون دیالوگ‌های شخصیت فیلم به زبان ترکی بود، زبان جدیدی برای عزتی که قرار بود احساسات شخصیت را هم در دیالوگ‌ها نمایان کند، احساساتی که در مواجهه با شخصیت کاظم (با ایفای نقش‌های حجازی‌فر) به مواجهه‌ای تماشایی در این فیلم تبدیل می‌شود.

فیلم سینمایی «آتابای» پنجمین ساخته نیکی کریمی، درامی عاشقانه است که از اوایل آذرماه روی پرده سینماهای سراسر کشور رفته است. فیلمی که به اذعان بسیاری از منتقدان در مقایسه با آثار قبلی او یعنی «یک شب»، «چند روز بعد»، «سوت پایان» و «شیفت شب» بهترین اثر این بازیگر در مقام کارگردانی است. فیلم‌نامه «آتابای» را هادی حجازی‌فر براساس طرحی از نیکی کریمی نوشته و نقش اصلی را هم خود حجازی‌فر ایفا می‌کند، نقش آفرینی کم‌نقصی که نشان از توانایی این

قصه فیلم درباره مرد میان‌سالی به نام کاظم معروف به آتابای است که به همراه پدر و خواهرزاده‌اش در روستای بیرکندی در حوالی خوی زندگی می‌کنند. او سال‌ها پیش دانشجوی معماری در دانشگاه هنرهای زیبای تهران بوده و یک سال مانده به دانش‌آموختگی به علت مشکلات روحی ناشی از عشقی نافرجام به هم‌دانشگاهی‌اش، ترک تحصیل کرده و به زادگاهش برمی‌گردد. خواهر کاظم در جوانی خودسوزی کرده و پس از آن مسئولیت سرپرستی و تربیت پسر خواهرش با اوست. آتابای در مواجهه با خود، خانواده، دوستان و رابطه‌ای جدید قرار گرفته و چالش‌هایی دارد. یکی از نقاط عطف قصه مربوط به مواجهه او با دوست قدیمی‌اش یحیی (با نقش آفرینی جواد عزتی) است که پرده از رازی قدیمی برمی‌دارد. مواجهه آن‌ها در این دو نقش، تصویری به یادماندنی از بازی مشترکشان در فیلم ثبت کرده است.

به بهانه اکران برخط فیلمی که باز هم پرده سینما را نخواهد دید

## مصائب «رستاخیز»



## سیمرغ‌های دوش «رستاخیز»

درویش درست حدس زده بود؛ فیلم‌ها با واکنش‌های زیادی مواجه شد و از همان ابتدا مخالفان و موافقانی پیدا کرد، اما متولیان برپایی جشنواره و هیئت داوران هم نتوانستند «رستاخیز» را نادیده بگیرند و این فیلم در ۱۱ بخش نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد که در نهایت در هشت بخش از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی، سیمرغ‌های بلورین یک به یک بر شانه‌های رستاخیز نشستند.

تبریک و تشویق‌های فجر که به پایان رسید زمزمه بخش از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی، سیمرغ‌های بلورین یک به یک بر شانه‌های رستاخیز نشستند.

تبریک و تشویق‌های فجر که به پایان رسید زمزمه عدم اکران فیلم شنیده شد تا اینکه سرانجام در تیرماه ۹۴ «رستاخیز» رنگ پرده را به خود دید و در فاصله کمتر از یک روز از اکران و با دستور وزیر وقت

## صبا کریمی | در یک عصر

سرد زمستانی در گرماگرم برپایی سی و دومین جشنواره فیلم فجر، قید فیلم‌های دو سانس آخر را می‌زنم به بهانه تماشای زودتر از موعد فیلم «رستاخیز» در یک جمع خصوصی.

با تعدادی از دوستان در دفتر تهیه‌کننده «رستاخیز» جمع شده‌ایم. احمدرضا درویش که آخرین ساخته‌اش «دوئل» یعنی یکی از گران‌ترین فیلم‌های مستقل در تاریخ سینمای ایران را ساخته، حالا قرار است تازه‌ترین اثر سینمایی‌اش یک کی‌سر و گردن بالاتر از «دوئل» است و یک قدرت‌نمایی تمام‌عیار سینمایی محسوب می‌شود را نشانمان دهد و واکنش ما را به عنوان جمعی کوچک از علاقه‌مندان سینما ببیند تا یکی دو روز دیگر که فیلم، نخستین اکران رسمی خود را در برج میلاد و برای اهالی رسانه و منتقدان تجربه می‌کند با نوع واکنش‌ها هر چند در مقیاسی بسیار کوچک آشنا شود.

آن شب فیلم را که روایتی از حماسه عاشورا است در یک تلویزیون کوچک دیدیم اما باز هم ابهت و خوش‌ساخت بودنش در انحصار قاب کوچک آن تلویزیون پنهان نماند و تماشایش لذت‌بخش بود؛ گرچه نمایش آن یکی دو روز بعد و روی بزرگ‌ترین پرده سینمایی کشور با امکانات صوتی، تصویری و تجهیزات مدرن روز هم تجربه‌ای فوق‌العاده بود.

زخم‌های زیادی به پیکره رستاخیز وارد شد. از ضرر مالی سرمایه‌گذار خصوصی تا واگذاری بخشی از سهام فیلم به بنیاد سینمایی فارابی و مناقشاتی بر سر مالکیت فیلم تا مصائب اکران بین‌المللی و در نهایت سرقط رستاخیز و پخش غیرقانونی در فضای مجازی و در یک کانال یوتیوب عراقی.

## اکران در سینما، یک تصمیم منطقی

در حالی که مدیران فرهنگی و متولیان سینمایی در طول این سال‌ها و بارها فیلمسازان را به ساخت آثار فاخر و دینی دعوت کرده‌اند اما سنگ‌اندازی‌ها در چرخه تولید تا اکران، با آن خوشامدگویی و حمایت از ساخت آثار ارزشمند منافات داشته است. اتفاقی که امید می‌رود در دوره جدید مدیریت فرهنگی به شکل دیگری به آن نگریسته شود و باید دید همان طور که خراعی؛ رئیس سازمان سینمایی عنوان کرده جلوایتالاد در سینما را می‌گیرد آیا به همان اندازه هم راه را برای نمایش آثار ارزشمند باز خواهد کرد. اکران رستاخیز با در نظر گرفتن اصلاحیه‌های مورد نظر گرچه اتفاق مبارکی در سینما خواهد بود اما منطقی‌ترین تصمیم برای نمایش چنین فیلمی با ویژگی‌های ساختاری و تکنیکی، اکران در سالن‌های سینماست، فیلمی که به گفته علیقلی‌زاده با قطع اسکوپ، از بهترین کیفیت تصویر و صوتی موجود در جهان بهره‌مند بوده و شایسته نمایش در سالن‌های سینماست.

دومین دوره جایزه

ادبی شهید سیدعلی اندرزگو، روز سه‌شنبه نهم آذرماه ساعت ۱۷:۳۰ در مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی (سرچشمه) برگزار می‌شود.

در دومین دوره جایزه «شهید سیدعلی اندرزگو» آثار با محوریت مبارزه ادبی با تحریف تاریخ معاصر و همچنین بیان حقایق و روشنگری درباره رژیم پهلوی، به رقابت پرداخته‌اند.

در این مراسم علاوه بر قدردانی از پنج اثر منتخب در حوزه داستان رمان بزرگسال، داستان و رمان کودک و نوجوان و روایت تاریخ، به سه اثر «جایزه ویرایش کتاب» اهدا خواهد شد و از هشت نوقلمی که در حوزه روایت تاریخ، آثار خود را به دبیرخانه ارسال کرده‌اند نیز قدردانی خواهد شد.